

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

حزب کار ایران (توفان)

۲۶ مارچ ۲۰۲۵

## ملاقات ترمپ با زلنسکی و پس لرزه‌های آن

پس از تحقیر علنی نوکری به نام ولودیمیر زلنسکی، رئیس جمهور اوکراین توسط دونالد ترمپ و معاونش در روز جمعه ۲۸ فوریه در سالن بیضی شکل کاخ سفید، به جرات می‌توان گفت که نوعی زمین لرزه سیاسی در اروپا به وقوع پیوست. آنالنا باربوک، وزیر امور خارجه فعلی آلمان، گفت: دوران جدیدی از بی‌رحمی آغاز شده است! اتحادیه اروپا عملاً به "چه کنم، چه کنم" گرفتار آمده است. "اورسولا فون در لاین"، رئیس کمیسیون اروپا گفت: "امروز ما می‌خواهیم ۸۰۰ میلیارد یورو به ارتش اتحادیه اروپا اختصاص دهیم. و سپس پیشنهاد بسیج ۸۰۰ میلیارد یوروی برای تسلیح مجدد اروپا را به پارلمان عرضه کرد. صدراعظم آتی آلمان "فردریش مرتس" همراه با حزب سوسیال دموکرات - حزب موثفش در دولت آتی - حتی می‌خواهند هزینه‌های نظامی را از قانون "ترمز بدهی" آلمان معاف کنند. تسلیح مجدد بی پایان، این تمام آن چیزی است که مد نظر است. حتی قبل از برخورد متکبرانانه اخیر ترمپ نسبت به زلنسکی، سیاستمداران برجسته در سراسر اتحادیه اروپا می‌گفتند که یک نقطه عطف واقعی اکنون فرا رسیده است! که به نظر ما این چیزی نیست جز رشد تضاد های میان امپریالیسم آمریکا و امپریالیست های اروپا. امروز که نه تنها اوکراین بلکه کل اروپا، نه تنها از سوی روسیه به خاطر دخالت مستقیم ناتو در درگیریهای اوکراین، که از سوی آمریکا نیز در معرض تهدید قرار گرفته است، رهبران اروپا راهی جز تشدید تجهیزات و تسلیحات سرسام آور به مخیله شان خطور نکرده است. در این رابطه یک دانشمند سیاسی آلمانی بنام "یواخیم کراوز"، علنا گفت که "ایالات متحده دیگر بخشی از جامعه غربی نیست". در بحران روابط ترانس آتلانتیک، می‌شنویم که اتحادیه اروپا اکنون باید با سرعت برق و باد به یک قدرت نظامی تبدیل شود و سلاح های هسته ای خود را نیز به طور گسترده ارتقا دهد، نه تنها برای ارتقای قدرت بازدارندگی در مقابله با روسیه بلکه به دلیل سیاست های جدید ایالات متحده آمریکا! چنین اظهاراتی چنان جوی را ایجاد می‌کند که سیاستمدارانی چون "یورگن تریتین"، از جناح چپ سبزها که تا دیروز در صف پاسیفیست ها قرار داشتند، در روزنامه های آلمان و بین المللی هشدار دهند که: «مماشات» با ترمپ واکنش اشتباهی است و این را با این درخواست ترکیب می‌کند که اروپا بالاخره باید «صنعت تسلیحات خود را بسازد»! "آلبرشت فون لوهه"، دانشمند و نویسنده سیاسی آلمانی، در همین رابطه می‌نویسد که "اعتماد به نفس اروپا بزرگترین چالش خواهد بود." چه اتفاقی افتاده است؟ ترمپ از یک طرف دولت اسرائیل را به پاکسازی قومی نوار غزه ترغیب می‌کند، از سوی دیگر خود یک تهدید نظامی برای گرینلند و پاناما به شمار می‌آید. علاوه بر این او می‌خواهد کانادا را به ایالات متحده

امریکا ملحق کند! با این حال، سیاستمداران اتحادیه اروپا نه از بازی شیطانی ترمپ به طور کلی، بلکه از تلاش او برای پایان دادن به جنگ در اوکراین تا حد هیستری خشمگین هستند!" به خاطر ترمپ، ما اروپا را به یک قدرت نظامی تبدیل می کنیم"، این همان تله میلیتاریست های لابی گر کنسرت های اسلحه سازی است. ببینید آتش چقدر شور است که زمانی که تلویزیونی معروف در امریکا، نشست کاخ سفید را پخش می کرد و زلنسکی می گفت: "رئیس جمهور روسیه یک قاتل" است: ترمپ با عصبانیت زیاد به او هشدار می دهد که "تو به دنبال براه انداختن جنگ جهانی سوم هستی!" گرچه ترمپ جمله فوق را برای مرعوب کردن زلنسکی بکار برد ولی به دیده حزب ما این واقعیتی انکار ناپذیر است که ترمپ در راستای سیاست اعمال سلطه امپریالیسم آمریکا به مثابه "قدرت اول" جهت استمرار سلطه اقتصادی از طریق گسترش مناطق نفوذ و راه های دریایی، جنگ اندازی هرچه بیشتر بر مخازن انرژی زا و ذخائر معدنی کمیاب و... بپه جنگ جهانی سوم را به تن مالیده است. در این رابطه "کی پر استارمر"، نخست وزیر بریتانیا و "امانوئل ماکرون"، رئیس جمهور فرانسه، با فریبکاری، چنین وانمود میکنند که در حال کار بر روی طرح صلح خود هستند! اما تا کنون پیشنهادی بیش از یک آتش بس یک ماهه عرضه نکرده اند. پیشنهادات ارائه شده توسط دولت ترمپ برای پایان دادن جنگ اوکراین قطعا اهداف پلیدی، از جمله سلطه بر ذخائر معدنی کمیاب عظیم و گرانبها، منابع انرژی زا و منابع کشاورزی این کشور را دنبال میکند. ترمپ تاجر با پیشدستی، با این بهانه که امریکا تاکنون ۵۰۰ میلیارد دلار به اوکراین کمک نظامی و مالی کرده است، از زلنسکی می خواهد که در ازای آن کلیه معادن این کشور را در انحصار امریکا در آورد. در صورتیکه جمع کمک های ایالات متحده امریکا به اوکراین طی سه سال گذشته بیش از ۱۱۰ میلیارد نبوده است. اروپائیان هم که می بینند سرشان بی کلاه مانده به جنب و جوش افتاده اند. البته استارمر و ماکرون که در رقابت با امریکا مایلند سلطه خود را بر اوکراین برانند، برای خنثی ساختن این هدف غارتگرانه امپریالیسم آمریکا هنوز برنامه ای مدون ندارند. ولی پیشنهاد ماکرون برای گستراندن چتر حفاظت سلاح هسته ای اش به مثابه عامل دفاعی و بازدارنده، خود حاکی از آن است که او و همپالکان اروپائی اش نیز بپه جنگ سوم جهانی را به تن مالیده اند. فراموش نکنیم که جنگ های اول و دوم جهانی نیز بر سر رقابت های خونین قدرت های امپریالیستی به خاطر گسترش مناطق تحت نفوذ، به منظور فروش هرچه بیشتر کالا و غارت مواد خام و انرژی زا رخ دادند. در همین رابطه پیشنهاد رندانه برخی از سران کشورهای اروپائی اینست که اروپا می تواند در ازای واگذاری اراضی شرق اوکراین، به روسیه، از این کشور بخواهد که با عضویت اوکراین در ناتو موافقت کند! در عین حال خواهان آن هستند که مرز جدید اوکراین با روسیه توسط یک "نیروی نظامی بزرگ محافظ صلح" احاطه شود! تا اروپا قادر گردد ارتش خود و چه بسا موشک های حامل کلاهک هسته ای را در مرز اوکراین با روسیه مستقر کنند! یعنی عملا زمینه های جنگ سوم جهانی را مهیا سازند. گرچه نمایندگان روسیه تاکنون مخالفت شدید خود را با چنین پیشنهاداتی ابراز داشته اند، اما طراحان چنین پیشنهاداتی، غیرقابل تصور نمی دانند که پوتین با چنین راه حلی موافقت کند! آنها می افزایند این یک پیشنهاد منصفانه برای همه طرف ها به شمار می آید، شرطی که اگر به تحقق پیوندد گامی واقعی به سوی صلح اروپا به شمار خواهد آمد!! اما به نظر نمی رسد که دول استعمار کهن و جنگ طلبی چون فرانسه، انگلستان و المان که همچنان به برانگیختن جو جنگ علیه روسیه دامن می زنند و روسیه را متهم می کنند که "می خواهد به زودی به کشورهای بالتیک و رومانی حمله کند!" با چنین پیشنهاداتی موافقت کنند. آنها امروز ترمپ را مانند پوتین دشمن دموکراسی می شناسند و معتقدند که ما باید اروپا را به یک قدرت نظامی قوی تبدیل کنیم؟! اما به دیده ما این یک دامی است که سیاستمداران میلیتاریست و لابی گر کنسرت های اسلحه سازی اروپا و امریکا گسترده اند. از سوی دیگر اما بسیاری از مردم و سیاستمداران واقع بین معتقدند که ما باید به خاطر داشته باشیم

که نیازی به ابداع واکنش جدید اروپا به وضعیت جهانی نداریم. آنها با یادآوری "وبلی برانت" صدر اعظم (سوسیال دموکرات) سابق المان می گویند: ما می دانیم که نقش المان و اروپا چیست: "حفظ یا بازگرداندن صلح از طریق میانجیگری و مذاکره". البته هستند صلح طلبان خام خیالی که می پندارند اروپا باید برای اتحاد با برادر بزرگتر و جلب پشتیبانی او در آینده بکوشد. آنها بر این نظرند که: "این درست است که امروز، در دوره ترمپ، اروپا باید کاملاً مستقل عمل کند، اما این به معنای خراب کردن پل ها و مهم تر از همه پل های اقیانوس اطلس نیست!" هستند افراد، احزاب و نیروهای سیاسی که به امپریالیسم آمریکا به دیده "متحدطبیعی" می نگرند در صورتیکه، همانگونه که حزب ما بارها بیان داشته است در قاموس امپریالیسم مقوله ای به نام "متحد طبیعی" محلی از اعراب ندارد. آنچه که در مناسبات آنها حکم می راند "رقابت طبیعی" به منظور حفظ و افزایش منافع، منابع و گسترش بازار فروش است. "یان فون آکن"، رئیس حزب چپ المان با دیدی واقع‌بینانه تر از بقیه احزاب بر این باور است که سیاست های دونالد ترمپ "وضعیت جدیدی در جهان" ایجاد کرده است، با این حال، او پیشنهاد تسلیح مجدد اروپا را نمی دهد، بلکه "برگزاری یک نشست اضطراری مجمع عمومی سازمان ملل" را پیشنهاد می کند و تاکید دارد که، این راه درست است. و ادامه می دهد، "این استدلال درست نیست که ادعا می شود: چون اتحادیه اروپا از نظر نظامی خیلی ضعیف است، باید علیه ایالات متحده آمریکا مجدداً مسلح شود. چنین روندی نباید اتفاق بیفتد. ما اروپایی هستیم اما با اتحادیه اروپای امپریالیستی ی که در تقسیم جهان دست دارد، همذات پنداری نخواهیم کرد". فریدریش مرتس صدر اعظم آتی المان که قبل از پیروزی در انتخابات با افزایش بدهی دولت و با تغییر و یا لغو قانون "ترمز بدهی" شدیداً مخالفت می ورزید، اکنون که چند روزی بیشتر تا رسیدنش به مقام صدراعظمی باقی نمانده است به همراه حزب سوسیال دموکرات موافقش معتقدند که هزینه‌های نظامی "به هر میزان که لازم باشد" از ترمز بدهی معاف می‌شود! از سوی دیگر بزودی سایر کشورهای اتحادیه اروپا اجازه خواهند داشت بر خلاف قانون اتحادیه اروپا، بیش از ۳۵٪ درصد از تولید ناخالص داخلی (GDP) خود قرض به بار آورند. به دیگر سخن راه را برای تسلیحات بی حد و مرز باز می کنند. امروز فریدریش مرتس صدراعظم فریبکار آتی المان از "ماریو دراگی" رئیس سابق بانک مرکزی اروپا - که مدت‌ها توسط محافظه‌کاران و لیبرال‌ها از جمله حزب (CDU) که مرتس رهبر آن است، به عنوان یک "چاپگر پول" مورد تحقیر و انتقاد قرار می‌گرفت - نقل می‌کند که: "هر چه که لازم باشد پول قرض خواهیم کرد!" زمانی که "دراگی" در سال ۲۰۱۲ جمله معروف "هر کاری که برای حفظ یورو لازم است انجام خواهم داد" را بیان کرد یک بانک مرکزی پشت سرش بود. اما فریدریش مرتس نئولیبرال که امروز می خواهد برای تحقق بخشیدن به سیاست میلیتاریستی خود از این روش پیروی کند، در واقع دولتی را که هم اکنون ۲۵۰۰ میلیارد بدهکار است پشت سر دارد، که قطعاً مرتس با اتخاذ چنین سیاستی آن را یک گام به ورشکستگی نزدیکتر می کند. رئیس کمیسیون اتحادیه اروپا، اورسولا فون در لاین (CDU) نیز که می خواهد قوانین مربوط به کسری بودجه را به تعلیق در آورد تا اعضای اتحادیه اروپا بتواند تقریباً یک تریلیون یورو برای "تسلیح مجدد" خود سرمایه گذاری کنند و بدهی خود را افزایش دهد عملاً آنها را با خطر ورشکستگی مواجه سازد. اقتصاد دانان این پیشنهاد را به عنوان یک زنگ خطر برای اقتصاد اروپا به شمار می آورند.

در پایان مایلیم به نکات زیر نیز اشاره ای داشته باشیم: در دورانی که جهان سرمایه داری در بحران بسر می‌برد و برای نجات خود در تدارک تقسیم مجدد جهان، حتی به قیمت ورود به یک جنگ جهانی است، اشاره به نکاتی که با جنگ دوم جهانی تشابهاتی دارد خالی از لطف نیست. فاشیسم به دلایل واقعی بحران نمی پردازد بلکه نارضائی مردم

را به کانال مسائل غیر واقعی و واهی هدایت می کند. برای نمونه اگر در دوران نازی ها - که سرمایه داری المان فاشیسم را نیروی نجات بخش خود می پنداشت، هم جنس گرایان، یهودیان، کمونیست ها، اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی و... دشمن به شمار می آمدند، امروز نیز پناهجویان، چپ ها، چین توده ای، کره شمالی، ونزوئلا، کوبا و... دشمن محسوب می شوند. در صورتیکه هم چین با تولید ارزان و هم مهاجران با نیروی کار ارزان منافع سرمایه داران غربی، بویژه آمریکا و المان را تأمین می کنند. فراموش نکنیم که ترمپ با کمک دشمنان دموکراسی بورژوازی، فحاشی و تخریب آنها، با کمک یاران میلیاردرش نظیر ایلان ماسک و همپالکی هایش برای دومین بار به ریاست جمهوری امریکا رسید تا با کارگشائی برای طرح های کلان سودجویانه آنها، بر ثروت نجومی شان بیافزاید. اروپا نیز مسیر مشابهی را طی می کند. بی جهت نیست که ایلان ماسک و شرکا از نیروهای فاشیستی اروپا نظیر حزب فاشیستی "آلترناتیو برای المان" و سایر احزاب فاشیستی اروپا در فرانسه، ایتالیا، هلند و... حمایت می کنند و آنها را به مراسم تحلیف ترمپ دعوت می نمایند. تاریخ ثابت کرده است که در دورانی که سرمایه داری در منجلاب بحران غوطه ور است راه نجات خود را در آویزان شدن به طناب نجات فاشیسم می جوید.